

## Research Paper

## Strategies of the words of Amir al-Mominin (peace be upon him) in education and training with the approach of governmental jurisprudence

Hadi Ismailzadeh<sup>1</sup>, Hassan Fallah Ahmad Chali<sup>2</sup>, Rahman Walizadeh<sup>3</sup>

Doctoral student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Islamic Azad University, Babol Branch, Iran h951311@gmail.com

2. Assistant Professor of Islamic Religions and Mysticism, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran h951311@gmail.com (Responsible author)

3. Assistant Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran Rahmanvalzadeh30@gmail.com

Received: 04/08/2024  
Accepted: 22/09/2024  
PP: 79-94

## Keywords:

Jurisprudence, governmental jurisprudence, education, training, Imam Ali (peace be upon her).

## Abstract

**Introduction:** Government jurisprudence, facing the challenges of the present age, needs a detailed explanation of its foundations so that it can prove its effectiveness in different fields and dimensions such as education. According to the laws of Islamic jurisprudence, no one has the absolute right to establish divine laws except God, and God leaves this right to the chosen people by appointing a caliph and successor. Therefore, education has a longitudinal system, at the head of which is God, then the Prophet, and after him the imams. The main purpose of this research is to examine the strategies of the words of Hazrat Ali (a.s.) in education and training based on the perspective of government jurisprudence and to examine the principles, methods and goals of education and training in the words of that noble.

**Research Methodology:** The research method in this study is descriptive-analytical. And it has been done using library tools.

**Findings:** In his 34th sermon, Hazrat Ali (AS) mentioned four rights that people have over the government: the guidance of the general public, the commitment of the government to ensure the welfare of the people, education in a comprehensive manner, and discipline for steadfastness in practice.

**Conclusion:** The result of the present research from the words of Amir al-Mu'minin (AS) is that the relationship between the government and the people is a mutual relationship in education and the way of governance.

**Citation:** Ismailzadeh, H., Fallah Ahmad Chali, H., Walizadeh, R. (2024). Development of a model of the curriculum of intellectual education from the perspective of Islamic text. Journal of Ahsan Education, Vol 1, No 1, 79-94

**Corresponding author:** Hassan Fallah Ahmad Chali

**Address:** Assistant Professor of Islamic Religions and Mysticism, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

**Email:** h951311@gmail.com

## مقاله پژوهشی

## راهبردهای کلام امیرالمومنین (علیه السلام) در تعلیم و تربیت با رویکرد فقه

## حکومتی

هادی اسماعیل زاده<sup>۱</sup>، حسن فلاح احمد چالی<sup>۲\*</sup>، رحمان ولی زاده<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، ایران

۲. استادیار ادیان و عرفان اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۳. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

شماره صفحات: ۹۴-۷۹

**مقدمه و هدف:** فقه حکومتی در مواجهه با چالش‌های عصر حاضر نیازمند تبیین دقیق مبانی خویش است تا بتواند کارآمدی خود را در عرصه‌ها و ابعاد متفاوتی همچون تعلیم و تربیت به اثبات برساند. بر طبق قوانین فقه اسلامی هیچ فردی حق حاکمیت مطلقه برای برپایی قوانین الهی را جز خداوند ندارد، که خداوند این حق را با نصب خلیفه و جانشین به انسان‌های برگزیده واگذار می‌کند. بنابراین تعلیم و تربیت دارای یک نظام طولی است که در رأس آن خداوند، سپس پیامبر و بعد از او امامان قرار دارند. هدف اصلی این تحقیق بررسی راهبردهای کلام حضرت علی(ع) در تعلیم و تربیت بر اساس نگرش فقه حکومتی و بررسی اصول، روش و غایات تعلیم و تربیت در کلام آن بزرگوار می‌باشد.

**روش شناسی پژوهش:** این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای انجام گرفته شده است.

**یافته‌ها:** حضرت علی(ع) در خطبه ۳۴ به چهار حقی که مردم بر حکومت دارند، هدایت‌گرایی عموم مردم، تعهد حکومت بر تأمین رفاه مردم، تعلیم و تربیت بصورت فراگیر، تادیب برای استواری در عمل اشاره نموده است.

**نتیجه‌گیری:** برآیند پژوهش حاضر از کلام امیرالمومنین(ع) این است، که رابطه حکومت و مردم یک رابطه متقابل در امر تعلیم و تربیت و شیوه حکمرانی است.

واژه‌های کلیدی:

فقه، فقه حکومتی، تعلیم، تربیت، امام علی علیه السلام

**استناد:** اسماعیل زاده، هادی، فلاح احمد چالی، حسن و ولی زاده، رحمان. (۱۴۰۳). راهبردهای کلام امیرالمومنین (علیه السلام) در تعلیم و تربیت با رویکرد فقه حکومتی. فصلنامه تعلیم و تربیت احسن، دوره اول شماره یک، پاییز ۱۴۰۳، شماره صفحات ۷۹-۹۴

\* نویسنده مسئول: حسن فلاح چالی

نشانی: استادیار ادیان و عرفان اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

پست الکترونیکی: h951311@gmail.com

## مقدمه

با توجه به اینکه مسئله تربیت انسان از اهداف بسیار متعالی خلقت بشر می‌باشد، هر گامی در این راستا برداشته شود می‌تواند باعث تقرب انسان‌ها گردد. و حکومت‌ها بنا به تسلطی که بر مردم دارند و تبعیتی که مردم از آنها دارند می‌توانند زمینه ساز مهمی بر تربیت آنان باشند. بدین لحاظ بررسی نقش تربیتی فقه حکومتی بنا به ضرورتی که مسئله تربیت داراست می‌تواند باعث رشد و تربیت انسان‌ها و نهایتاً تربیت یک جامعه شود. فقه حکومتی در نهج البلاغه و اندیشه و سیره امام علی (علیه السلام) به مفهوم مدیریت، مشارکت، هدایت و خدمت است. در تمام جوامع انسانی برنامه‌ریزی حکومت‌ها به شکل غیر مستقیم بر روند تربیتی آن جوامع تأثیری گذارد، یکی از روش‌های تربیتی ایجاد بسترهای مناسبی در ایجاد فقه حکومتی است.

فقه حکومتی به مثابه رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهاست، و همچنین فقه حکومتی نگرشی کل‌نگر و ناظر به تمام ابواب فقه دارد. از این رو، گستردگی که در فقه حکومتی بحث می‌شود، در برگیرنده تمام مسائل فقه خواهد بود. بر طبق قوانین فقه اسلامی هیچ فردی حق حاکمیت مطلقه برای برپایی قوانین الهی را جز خداوند متعال ندارد، خداوند متعال این حق را با نصب خلیفه و جانشین به انسان‌های برگزیده در دوران حضور یعنی معصومین، و در دوران غیبت با انتصاب از طرف آنان، مسئولیت حکومت بر عهده فقهای شیعه است. در فقه حکومتی، قدرت و ظرفیت‌های قوانین فقه اسلامی برای تشکیل و مدیریت حکومت به خدمت گرفته می‌شوند. فقه حکومتی در مواجهه با چالش‌های عصر حاضر نیازمند تبیین دقیق مبانی خویش است تا بتواند کارآمدی خود را در عرصه‌ها و ابعاد متفاوتی همچون تعلیم و تربیت به اثبات برساند در واقع، فقه حکومتی به تعبیری بخشی از فقه یا حکومت است، با نگاهی به وضعیت حاکم و محیط اجتماعی که بر تمام زمینه‌های تعلیم و تربیت تأثیر می‌گذارد. هدف فقه حکومتی، بررسی احکام الهی در همه جنبه‌های نظام و حکومت الهی است و در نگرش به همه احکام فقهی به ابعاد حکومتی نیز توجه دارد و تأثیر احتمالی هر حکم در کیفیت و اداره مناسب نظام و حکومت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Mashkani, 2011). آنچه در عصر حاضر درباره تعلیم و تربیت در راستای حکومت اسلامی دارای اهمیت است بررسی راهبردهایی است، که می‌توان از طریق منبع اساسی نظیر قرآن، سنت و نهج البلاغه دریافت نمود. جهت پدید آمدن و اجرای این راهبردها، قوانین فقه اسلامی باید در جهت حکومتی منطبق بر آنها پیاده شود. تعلیم و تربیت یکی از نیازهای ضروری انسان‌ها برای قرار گرفتن در مسیر صحیح زندگی است. تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است (Mikailo and Al-Qarai, 2014). اهمیت و ارزش تعلیم و تربیت به قدری است، که خداوند متعال در قرآن کریم از آن به عنوان دلیل و واسطه‌ای نام می‌برد که فرزندان می‌توانند برای والدین خود طلب مغفرت کنند: ﴿وَ أَحْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ (Surah Mubarakah Israa)، و از روی مهربانی، بال‌های تواضع خویش را برای آنان فرودآور و بگو پروردگارا بر آنان رحمت فرست، همانگونه که مرا در کودکی تربیت کردند (Mohammadi Puya, 2022). تعلیم و تربیت را می‌توان به پرورش و به فعلیت در آوردن استعدادهای درونی انسان تعبیر کرد تربیتی که تابع فطرت و به دنبال آن است، که با تکیه بر این استعدادها آدمی را به تکامل حقیقی و مقام شایسته درخور او برساند (Qadri, 2018). در بین مخلوقات الهی انسان دارای شرافت و جایگاه ویژه‌ای است، یکی از دلایل این شرافت داشتن قوه تعقل است، که توان تربیت‌پذیری و رشد و کمال را برای انسان فراهم می‌نماید. در ذات انسان استعدادهای فراوانی نهفته، که برای شکوفا شدن آن نیاز به تربیت دارد، اما از آنجا که مقوله تربیت ابعاد مختلف وجود انسان را در بر می‌گیرد باید برنامه‌ای جامع وجود داشته باشد تا جنبه‌های مختلف تربیتی انسان را تحت مراقبت قرار دهد و با رعایت الاهم و فالاهم، استعدادهای بشری را به شکوفایی برساند (Suleimani Kia, 2017). یکی از مهمترین مکاتب تربیتی مکتب اسلام است، که نسبت به سایر مکاتب دیگر در تعیین سرنوشت انسان‌ها نقش به سزایی دارد (Abdullah Zadeh, 2023).

از دیدگاه اسلام، در طبیعت انسان، استعدادها معنوی، اخلاقی، عقلانی، عاطفی، حسی و مادی برای حیات خلق شده است (Noori Akhavan, 2022). در این باره حضرت علی (ع) با تأکید بر همین نوع تربیت و هدایت در تمام موجودات، شیوه‌ای از تعلیم و تربیت را در انسان‌ها متذکر می‌شود، که از لوازم آن تأکید بر فقه حکومتی است. در تعلیم و تربیت مبتنی بر توحید پدید آمدن جامعه توحیدی یا همان حکومت اسلامی دارای ضرورت است، زیرا پدید آمدن تعلیم و تربیت توحیدی منوط به پیاده شدن قوانین فقهی در جهت حکومتی منطبق بر

قوانین اسلامی است. امام علی (ع) این شیوه تربیتی بر اساس فقه حکومتی را در نامه‌ای به کمیل این چنین بیان می‌کند: «ای کمیل! پیامبر اکرم (ص) را خدا تربیت کرد و آن حضرت مرا تربیت نمود و من نیز مومنین را تربیت نموده و آداب پسندیده را به آنها یاد می‌دهم» (Majlesi, ۱۹۹۲). هدف از این نگرش برای تعلیم و تربیت کمال‌یابی انسان در تمام ابعاد زندگیش، مخصوصاً در راستای هدف آفرینش او یعنی لقای خداوند است. ویژگی این نوع از تعلیم و تربیت اتکا بر انتخاب و اختیار انسان برای مجاهده پیگیر برای کمال حقیقی خود و اجتماع است.

## مبانی نظری

### مفهوم شناسی تعریف واژه‌ها و اصطلاحات فنی و تخصصی

تربیت: کلمه عربی و معادل Education در انگلیسی است. در فارسی از آن به پرورش هم یاد می‌شود. (Baghlani, 2019)

تعلیم: واژه تعلیم مصدر و از باب تفعیل است، و از ماده علم گرفته شده است که به معنای آموختن، یاد دادن و آگاهیدن

است. (Shahab, 2021)

فقه: فقه در لغت به معنای فهم، درایت و شناخت عمیق است. (Zulfaqari and Seydian, 2013) فهم دقیق و استنباط عمیق

مقررات عملی اسلامی از منابع و مدارک مربوطه است. (Mothari, 1998)

### اهمیت و ضرورت تبیین تعلیم و تربیت

تبیین ماهیت تعلیم و تربیت اسلامی به چند دلیل ضرورت دارد:

الف) هنجاری بودن تربیت

مسائل تربیتی، ماهیت هنجاری دارند. در حوزه‌ی سازمان‌های تربیتی به طور روزافزون مسائلی پدید می‌آیند، که ماهیت هنجاری دارند.

ب) تفسیرپذیری مفهوم تربیت اسلامی

مفهوم تربیت اسلامی، تفسیرپذیر است. تربیت اسلامی مفهومی است مرکب از تربیت و اسلام که هر دو از حیث معنایی بسیار انعطاف‌پذیرند. بلکه تفسیر مفاهیم تربیت و اسلام، متنوع‌تر از آن است که بتوان به توافقی زبان‌شناختی در جهت تحصیل یک معنای پایه برای تربیت اسلامی رسید. (Elam Al-Hoda, 2002)

ج) مقدمه خودسازی و دیگرسازی

اوجب واجبات چیست؟ می‌توان گفت اوجب واجبات، ساخته شدن و ساختن است. یعنی خودسازی در تمام ابعادی که این مهم،

محصول تربیت و تعلیم است. (Meshcati, 2018)

### نقش حکومت در تعلیم و تربیت

نقش حکومت در تعلیم و تربیت از مسائل کهنی است، که در طول تاریخ متفکران را به خود مشغول، و پیشینه آن را در آثار حکمای یونان مانند افلاطون، ارسطو می‌توان سراغ گرفت. با تشکیل دولت مدرن و تعریفی که از اهداف آن ارائه گردید دولت در قبال حق تعلیم و تربیت شهروندان و فراهم آوردن زمینه‌های استیفای این حق مسئول شناخته شد افزون بر آن دولت‌ها نیز برای موفقیت بیشتر و بهتر در صحنه‌های رقابت اجتماعی و اقتصادی و دستیابی به توسعه فرهنگی و مادی، ناچار بودند که بیشترین امکانات خود را برای توسعه کمی و کیفی به کار گیرند. (Soroush, 2007)

بررسی نقش حکومت در تربیت که امروزه به منزله موضوع یک مطالعه بین رشته‌ای سیاست‌گذاری تربیتی - ارائه و. بایک نگاه

کلی، می‌توان به چند دیدگاه در این باره اشاره کرد. به باور گروهی از نظریه‌پردازان، اصولاً حکومت حقی در تربیت مردم ندارد و کار ویژه آن برآوردن یکسری خواسته‌های اجتماعی و سیاسی خلاصه می‌شود، نه تعیین زندگی خوب برای مردم.

گروهی دیگر از صاحب‌نظران برای حکومت در تربیت مردم نقش و بلکه وظیفه قائل‌اند؛ اما آن را معطوف به ساختن جامعه‌ای آباد و آزاد می‌دانند و فراتر از آن مدنظر آنها نیست؛ یعنی دولت باید افراد را برای تحقق کامل اهداف سیاسی و اجتماعی، و کارآمدی نظام تربیت کند. (Fowzi and Karimi Biranvand, 2011)

همانگونه که از نظر امیرالمؤمنین علی (ع) برای آنکه دینداری در جامعه رشد کند، ابتدا باید رعایت تربیت اجتماعی در میان مردم و حاکمان رواج پیدا کند و در پرتو توجه به این مهم است که سنت‌ها و آموزه‌های دین می‌تواند در جامعه استقرار یابد (Makarem Shirazi, 2019).

### نقش فقه حکومتی در تعلیم و تربیت

حدود دخالت فقه در عرصه‌های مختلف زندگی و حکومتی مسئله‌ای چالش برانگیز بوده و نظریات مختلفی در این باره بیان شده است. طیفی از روشنفکران مسلمان که نگاه سکولاریستی بر آنها حاکم است بر این نظر پافشاری می‌کنند که فقه کارکرد حداقلی دارد و توان ایفای نقش در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی را ندارد. در طیف مقابل فیلسوفان مسلمان و افرادی که به عرصه فقه ورود پیدا کرده‌اند، قائل به عملکرد حداکثری فقه‌اند و برای فقه کارکردهای این جهانی (اجتماعی و سیاسی و اقتصادی) علاوه بر کارکرد آن جهانی (فردی، معنوی) تصویر می‌کنند (Arafi, 2015).

### پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه پژوهش تقریباً هیچ اثری در زمینه بحث صورت نگرفته است. اما با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت، محققان حوزه تعلیم و تربیت، تحقیقاتی در زمینه تعلیم و تربیت در اسلام انجام داده‌اند که طرحها و نظریات مختلفی را در پی داشته است: شریعتمداری (۱۳۰۲)، در کتاب «اصول و فلسفه تعلیم و تربیت» مطالعاتی درباره اصول و فلسفه تعلیم و تربیت انجام داده است که به باور وی، مفاهیم و نظریات تربیتی را می‌توان از تعالیم دینی زندگی پیشوایان معصوم و از تحقیقات روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و نظریات مریبان معروف استخراج نمود و فلسفه تعلیم و تربیت نیز پایه و اساس ارکان ماهیت، هدف، روش و محتوای آنچه تربیت خوانده می‌شود روشن می‌سازد.

مطهری (۱۳۵۱)، در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» به بازشناختی تعلیم و تربیت از نگاه اسلام می‌پردازد. این کتاب دارای دو بخش می‌باشد که در بخش اول به مباحث پرورش عقل، تربیت عقلانی انسان، پرورش استعدادها، مسأله عادت تعریف و تفسیر فعل اخلاقی، بررسی نظریه نسبیت اخلاق، پیوند عبادت با برنامه‌های تربیتی، کرامت نفس در قرآن و حدیث و ریشه الهامات اخلاقی و از جمله مطالب بخش دوم کتاب به مباحث پرورش جسم، پرورش استعداد عقلانی، تاریخچه تعقل از نظر مسلمین، عوامل تربیت تقویت اراده، عبادت، محبت، تقویت حس حقیقت جویی، مراقبه و محاسبه، تفکر، محبت اولیا، ازدواج، جهاد و کار است.

نیک صفت (۱۳۸۶)، در پایان نامه خود تحت عنوان «روش‌های سنجش شخصیت از منظر دین و روان‌شناسی»، از روش‌های سنجش شخصیت در سه مکتب عمده مطالعه شخصیت؛ یعنی روان‌تحلیلگری، صفات انسانگرایی؛ و سه رویکرد عمده مطالعات اسلامی درباره انسان یعنی رویکرد نقلی عقلی و عرفانی گزارشی ارائه داده و سپس به توصیف و تبیین اجمالی روش‌ها و آزمون‌های مربوط به این رویکردها پرداخته است. در ادامه به بررسی، تحلیل و ترکیب نتایج مطرح شده در روش‌شناسی پرداخته و راه‌حلهایی را برای مطالعات نوین روانشناسی در حوزه دین بیان نمود.

محققان (۱۳۸۸)، طی پژوهشی با عنوان «تحلیل مفهوم "امید" از منظر قرآن و علم روان‌شناسی» ضمن بررسی و واکاوی مفهوم امید در حیطه روان‌شناسی و آشنایی با راهکارهای بشری جهت ایجاد و تقویت امید در زندگی انسان به تحلیل روان‌شناختی آیات قرآن در این رابطه پرداخته است. سپس با مقایسه‌ی مفهوم امید در حیطه قرآن با واژه‌های مربوطه‌اش نظیر (رجاء، تمنی، أمل و...) و علم روان‌شناسی ضمن معرفی نقاط اشتراک و افتراق این دو حوزه راهکارهای مناسب جهت ایجاد و افزایش امید در افراد بشر را ارائه نموده است. از نتایج بارز و شاخص مفهوم امید در قرآن آن است که جهان بینی قرآن یک جهان بینی خدا مرکزی است و هیچ مفهوم عمده‌ای در قرآن جدای از

مفهوم خداوند وجود ندارد، به همین دلیل امید واقعی و حقیقی نیز در ارتباط با الله است که دستاوردهای روان شناسی علیرغم شباهت‌های زیاد با مفاهیم قرآنی موجود در این زمینه، از این نکته غافل مانده‌اند.

خالد عبدالرحمن العک(۲۰۰۹)، در کتاب «تربیه الابناء و البنات فی ضوء القرآن و السنه» درباره تربیت کودکان براساس نظام اخلاق و تربیت اسلامی با استناد به آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دین و سخنان روان شناسان پرداخته است. عناوین کتاب عبارت است از: شکل دهی شخصیت کودک و شیوه‌های تکوین آن، شکل دهی شخصیت اسلامی در روحیه کودک مسلمان، ترغیب به اخلاص برای خدای متعال، ترغیب به آراسته شدن شخص به اخلاق پیامبر(ص)، ترغیب به تعاون در کارهای نیک، ترغیب به لزوم راستگویی دائم اصول و زیربنای تربیت اخلاقی، تربیت اخلاقی کودک بر اساس سنت نبوی

شریعتمداری(۱۳۸۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تربیت در نهج البلاغه» که در مجموعه یادنامه دومین کنگره هزاره نهج البلاغه چاپ شده است، به بررسی نکات و مؤلفه‌های اصلی تعلیم و تربیت از منظر امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه پرداخته است. از دیدگاه وی نهج البلاغه یک کتاب کامل تربیتی است که می‌توان تمام دیدگاه‌های تربیتی اسلام را در آن جستجو نمود. وی ضمن معرفی شخصیت تربیتی امام علی(ع) به عنوان یک اسوه حسنه و الگوی کامل تربیتی؛ به ابعاد گوناگون شخصیت وی و جامعیت آن حضرت اشاره نموده و تلاش دارد تا نکته‌های تربیتی مندرج در نهج البلاغه را تبیین نماید از نظر نویسنده، تأکید امام علی(ع) به تعقل، تفکر و تقوای الهی؛ اصول کلی نظام تربیتی آن امام را مشخص می‌سازد. به نظر ایشان نقش حساس تقوا در تربیت اخلاقی و رسیدن به کمالات والای انسانی بیشترین مباحث نهج البلاغه را در امور تربیتی به خود اختصاص داده است.

جعفری(۱۳۸۸)، در کتاب «ارکان تعلیم و تربیت» خلاصه‌ای از دیدگاه‌ها و نظرات خود را به مناسبت‌های گوناگون و اغلب به دلیل ضرورت درباره تعلیم و تربیت پرداخته است. او در بخشی از مقدمه این اثر نوشته است: «تعلیم و تربیت جمع کردن چند عدد شاخه و چوب و آنها را با میخ و سیم به یکدیگر وصل کردن و یک سر آن را به خاک بردن و آن را درخت پنداشتن نیست؛ تعلیم و تربیت دقت کامل در هسته و شناختن و کاشتن آن در مزرعه پر از درخت‌ها و گل‌های بی‌نهایت متنوع اجتماعی است تا نه تنها در میان آن کشتگاه درختی بارور شود، بلکه امکان سرسبز نگه داشتن آن کشتگاه هم در او به وجود بیاید».

صالحی و یاراحمدی(۱۳۸۷)، در پژوهشی به «تبیین تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید هدف‌ها بر روش‌های تربیتی» پرداخته و به این نتیجه رسیده که تربیت زمانی می‌تواند موفق شود که به پیدایی برخی صفات رفتاری مطلوب در یادگیرنده منجر شود و از آنجا که در تربیت اسلامی رسیدن به توحید و پرورش انسان خداپرست هدف غایی مطرح شده، می‌توان اذعان کرد که نقش اسوه‌های مربی یا معلم جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد.

اعرافی و همکاران(۱۳۸۸)، در کتاب «آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن» به بررسی دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره آموزش و پرورش و تحلیل پایه‌های اندیشه آنان در زمینه تعلیم و تربیت پرداخته است. این کتاب ابتدا زندگی و آثار اندیشمندان مسلمان را شرح داده است و سپس به مبانی فکری آنها و دیدگاهشان درباره انسان و مبانی و مسائل گوناگون آموزش و پرورش پرداخته است. مطالب کتاب: جلد یکم: ابن جاحظ، سخنون، فارابی، قایسی، اخوان الصفا، ابن سینا (۳۰۶ صفحه)، جلد دوم، مسکویه، سهروردی شیخ اشراق، خواجه نصیرالدین طوسی، مولوی (۲۶۳ صفحه)، جلد سوم: امام محمد عزالی (۲۶۳ صفحه) جلد چهارم، سعدی، ابن خلدون، علامه مجلسی، ملامهدی نراقی و احمد نراقی (۲۷۵ صفحه) جلد پنجم: فیض کاشانی(۵۲۸ صفحه) این کتاب که به عنوان کتاب برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران نیز شناخته شده، یکی از منابع آزمون دکتری فلسفه تعلیم و تربیت در ایران نیز است.

## فرضیات تحقیق

- ۱- نقش فقه حکومتی به عنوان ترسیم‌کننده مسیر اصلی در تربیت مردم بر اساس ابزارهای حکومتی و تکالیف الهی است.
- ۲- تربیت نیازمند بستر و محیط مناسب است و یکی از محیط‌های لازم تربیتی را حکومت فراهم می‌کند.
- ۳- بنظر می‌رسد، بین فقه حکومتی و تعلیم و تربیت رابطه‌ای متقابل وجود دارد.

## روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که با مراجعه به کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها انجام پذیرفت. در این روش جهت اخذ راهبردهای تعلیم و تربیت، با رویکرد فقه حکومتی از کلام حضرت علی(ع) استفاده شد. در این روش به دسته‌بندی راهبردها، تبیین نکات کلیدی و برجسته، تشریح آموزه‌ها و ارزیابی اثربخشی راهبردها با توجه به مبانی تعلیم و تربیت در راستای فقه حکومتی پرداخته شد. استفاده از رویکرد فقه حکومتی در این پژوهش، به محقق کمک می‌کند تا با تأمل در مفاهیم حاکم در کلام حضرت علی(ع)، به راهبردهای تعلیم و تربیت با توجه به مبانی و قوانین حکومت الهی بپردازد. این رویکرد کلام حضرت علی(ع) را در زمینه تعلیم و تربیت بررسی کرده و از طریق فقه حکومتی، به دستورالعمل‌ها و راهبردهایی برای اجرای این اصول رسیده است. از طریق این پژوهش، محقق می‌تواند به درک عمیق‌تری از چگونگی اجرای تعلیم و آموزه‌های حضرت علی(ع) در تعلیم و تربیت برسد و با تأمل در فقه حکومتی، به طراحی راهبردها و سیاست‌هایی برای تبیین و اجرای این اصول در نظام‌های تعلیمی و تربیتی کمک کند.

## یافته‌ها

### جایگاه تعلیم و تربیت و فقه حکومتی در کلام امیرالمومنین علیه السلام

دیدگاه امام علی(ع) به حکومت دیدگاهی الهی است. نگاهی که با نگاه دنیاپرستی و قدرت طلبی تفاوت اساسی دارد. حضرت علی(ع) در آغاز حکومت خود دلیل پذیرفتن آن مسئولیت بزرگ را گرفتن حق ستمدیده از ستمگر برشمرده و آن را پیمانی می‌داند که خداوند از عالمان گرفته است چنانکه در خطبه ۳ نهج البلاغه معروف به خطبه شقشقیه می‌فرماید: «سوگند به خدایی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است که اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود، یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد، و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم کشیدگان خاموشی نگزینند، افسار شتر خلافت را برگردنش می‌افکنم و رهایش می‌کردم. امام علی علیه‌السلام در بیانی آشکار ضمن برشمردن وظایف حاکم در جامعه اسلامی، به گونه یک جامعه شناس و سیاستمدار چنین عنوان می‌دارد:

«همانا بر امام جز این نیست که در راستای مسؤولیتی که از طرف خدا بر او بار شده است پند و اندرزها را به مردم ابلاغ نماید و در نصیحت و خیرخواهی آنان بکوشد و به احیای سنت بپردازد و کيفرها را بر مرتکبین خلاف اجرا کند و حقوق مادی مردم را به آنان برساند.»  
«وظیفه امام است که حد و مرزهای اسلام و ایمان را، به اهل مملکت خویش بیاموزد»

از دیدگاه امام علی علیه‌السلام که تربیت یافته رسول خدا (ص) است، حاکمی که به خدمتگذاری کل حکومت اسلامی یا بخشی از آن انتخاب و تعیین گردیده است هیچ چیز با اهمیت‌تر از تعلیم و تربیت جامعه براساس اهداف و آرمان‌های اسلامی نیست و این میزان اهمیت‌دهی امام علیه‌السلام به این مسأله را در جای جای خطبه‌ها و نامه‌ها و سایر سخنان گهربار ایشان می‌توان بروشنی دید؛ چنان که در نامه‌ای به قثم بن عباس (کارگزار حکومتی خود در مکه) می‌فرماید: برنامه شبانه‌روزی را طوری تنظیم کن که صبح و عصر با مردم جلسه داشته باشی و استفتاهای آنان را جواب دهی و معالم دینی را به مردم عامی بیاموزی و با دانشمندان در زمینه مسائل علمی به گفت‌وگو و بحث‌پردازی:

« اجلس لهم العصرین فأفت المستفتی و علم الجاهل و ذاکر العالم و...»

بی‌شک پرداختن به این دستور می‌طلبد که دست کم نیمی از وقتش را به این امر مهم اختصاص دهد؛ زیرا مردم مسائلی که دارند عمدتاً مربوط به جهل آنان نسبت به وظایفشان، حقوقشان و چارچوب قانونی عمل و فعالیت اجتماعی است که اگر از این نظر تأمین گردند در سایر مسائل از مشکلاتشان کاسته می‌شود و بار اداره امور جامعه نیز سبکتر می‌گردد (Nahj al-Balagha).

با توجه به آنچه که امام علی بیان داشته و در خطبه ۳۴ نیز به صراحت تأکید کرده همراهی حکومت جز به وسیله و کمک مردم امکان‌پذیر نبوده و نخواهد بود و حکومتی به رشد و تعالی می‌رسد، که اساس تعلیم و تربیت جز لاینفک زندگی او باشد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فقه حکومتی، احترام گذاشتن به آرای عموم مردم و تلاش برای عملی ساختن خواسته‌های مردم است. از این روست که حضرت علی(ع) هرگز حاضر نبود حکومت را به هر طریق ممکن به دست آورد زیرا معتقد بود جامعه‌ای می‌تواند مصداق تعلیم و تربیت و فقه حکومتی باشد، که از ریشه و اصل، تکیه بر ضوابط عقلی و دینی و مقبولیت مردم باشد، چرا که رویکرد فقه حکومتی نیز یعنی احترام به مشروعیت و مقبولیت، و حکومت بدون این دو عنصر دوامی نخواهد داشت و امام هرگز در راستای تحمیل حکومت بر مردم نبود. برای همین بود وقتی که با مردم در جهت پذیرش حکومت روبرو می‌شد اصرار می‌کرد «دعونی والتمسو غیری» یعنی؛ مرا واگذارید و دیگری را دریابید.

## اهمیت تعلیم و تربیت در راستای ایجاد فقه حکومتی از کلام امام علی (ع)

از سخنان آن حضرت درباره‌ی اهمیت تاسیس حکومت، آنجاست، که می‌فرماید:  
 لَمْ تَكُنْ بِيَعْتِكُمْ إِيَّايَ فَلْتَةً وَ لَيْسَ أَمْرِي وَ أَمْرُكُمْ وَاحِدًا، إِنِّي أُرِيدُكُمْ لَلَّهِ وَ أَنْتُمْ تَرِيدُونَنِي لِأَنْفُسِكُمْ. أَيُّهَا النَّاسُ أَعِينُونِي عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ أَيْمُ  
 اللَّهُ لَأُنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَ لَأَقُودَنَّ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ، حَتَّى أُرِدَهُ مِنْهُلَ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ كَارِهًا.

۱. بیعت شما با من بدون فکر و اندیشه نبود (بلکه همه اجتماع کرده از روی فکر و اندیشه درست اقدام بر این امر نمودید، پس نباید هیچیک از شما نقض بیعت کرده یا پشیمان شوید.

۲. (زیرا) من شما را برای خدا (ترویج از قواعد دین) می‌خواهم و شما مرا برای (بدست آوردن بهره‌های دنیای) خود می‌خواهید.

۳. ای مردم مرا بر نفس (آماره) خودتان یاری کنید (از هوای نفس پیروی نکرده مطیع و فرمانبردار من باشید) سوگند بخدا برای گرفتن حق ستمدیده از ستمگر از روی عدل و انصاف حکم می‌کنم و ستمکار را با حلقه بینی او می‌کشم (مانند شتر که در بینش حلقه کنند و مهارش را بکشند) تا اینکه او را به آب خور حق وارد سازم اگر چه به آن بی‌میل باشد (ستمگر را دلیل و خوار گردانم تا حق ستمدیده را از او بستانم) (Faizul Islam, 1989) من همچون حاکمان دنیاپرست که حکومت و اطاعت مردم را برای جاه و جلال و منافع شخصی و عیش و نوش خود می‌خواهند نیستم من می‌خواهم به وسیله شما آیین خدا را بر پر سازم و مقدمه برپایی و قوام دین خدا آگاهی و تربیت شماست، و رضای او را از این طریق بدست آورم، ولی شما مرا برای منافع شخصی خود می‌خواهید، برای گرفتن سهم بیشتر از بیت المال، یا رسیدن به پست و مقام، و یا رفاه در زندگی، و با توجه به اختلاف این دو دیدگاه طبیعی است که مسیرها همچون ابزارهای کار یکسان نیست.

مکتب تربیتی من برای اصلاح همه شما آماده است، از شما می‌خواهم، با پذیرش نصایح من، - که برگرفته از منبع وحی، قرآن مجید و تعلیمات پیامبر (ص) است - در آن شرکت جوید و با من همکاری کنید، چرا که اگر جوششی از درون شما نباشد هیچ برنامه‌ای مفید نخواهد افتاد. در واقع امام به این مهم اشاره می‌کند، که فلسفه حکومت اسلامی تربیت است، امام آمده تا مردم را تربیت کند و مردمی که تربیت شده باشند امام به وسیله آنها بهتر حرکت می‌کند و برنامه‌های خویش را در راستای فقه حکومتی تحقق می‌بخشد.

از سوی دیگر، نشان می‌دهد که مهمترین هدف امام در راستای فقه حکومتی، گسترش عدالت و گرفتن حق ستمدیدگان بود و این همان داروی حیات بخشی است که غالباً در کام افراد بی‌خبر، تلخ است.

این همان چیزی است که از مهم‌ترین اهداف ارسال رسل و انزال کتب، و فلسفه فقه حکومتی را بیان می‌کند همانگونه که خداوند در سوره مبارکه حدید آیه ۲۵ می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند.

## اهمیت تشکیل حکومت اسلامی از منظر امام علی (ع)

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِمَّا مَنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الحَطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَرْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهِرِ  
 الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ المَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ وَ سَمِعَ وَ أَجَابَ، لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ  
 اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِالصَّلَاةِ. وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الفُرُوجِ وَ الدِّمَاءِ وَ المَغَانِمِ وَ الْأَحْكَامِ وَ إِمَامَةَ المُسْلِمِينَ الْبَحِيلِ  
 فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتَهُ، وَ لَا الْجَاهِلِ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ، وَ لَا الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَاةِهِ، وَ لَا الْحَائِفِ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذُ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ، وَ لَا المُرْتَشِي  
 فِي الحُكْمِ، فَيَذْهَبَ بِالحُقُوقِ وَ يَقِفَ بِهَا دُونَ المَقَاطِعِ، وَ لَا المَعْطَلِ لِلسَّنَةِ فَيُهْلِكَ الْأُمَّةَ.

خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستمدیده ات در امن و آمان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد. خدایا من نخستین کسی هستم که به تو روی آورد، و دعوت تو را شنید و اجابت کرد، در نماز، کسی از من جز رسول خدا (ص) پیشی نگرفت. همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد، و امامت مسلمین را عهده‌دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد، و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند، و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غصب و عطا‌های آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد، زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد، و رشوه خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال، و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند. و آن کس که سنت پیامبر (ص) را ضایع می‌کند لیاقت رهبری ندارد زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند.

الف: تعلیم و تربیت مردم



با توجه به این خطبه تمام تلاش و تکاپوهایی که آن نمونه‌ی عدل الهی در سرتاسر زندگی خود داشته است. برای اصلاح مغزی و تعلیم و تربیت روحی آدمیان بوده که همه‌ی آنان را نهالهای باغ خداوندی می‌دانست که خود را مامور الهی پروراندن و دفع آفات از آنها می‌دید. و بدان جهت که مهلک‌ترین آفت مغز و روان انسانی، خودمحموری و ثروت پرستی است، آیا امکان داشت که آن مامور الهی خود با ابتلاء به آن دو آفت تباه‌کنند (تباه‌کننده)، به برطرف ساختن آن دو آفت در دیگران بپردازد؟! «و رب شقی یامر الناس بالتقی، طیب یدلوی الناس و هو علیل!» (بسا تبه‌کار شقی که مردم را به تقوی دستور می‌دهد، مانند آن طیب نما است که مردم را مداوا می‌کند در حالی که خود او بیمار است!) (Allameh Jafari, 2018).

۲- فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَىٰ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا.

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیر خواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. حضرت در آغاز خطبه ۳۴ ابتدا برای رعایت ادب و احترام و جلب توجه آنان، حقوق واجبه مردم را نسبت به خود بر می‌شمارند، بدیهی است بیان حقوق دیگران بر خود، پیش از بیان حقوق خود بر دیگران، به ادب و احترام و اجابت نزدیکتر خواهد بود. امام (ع) از حقوق واجبه مردم بر عهده خود، چهار چیز را که برای اصلاح حالشان در دو جهان مفید بوده بیان کرده است. اولین حق آنها بر امام نصیحت کردن است، نصیحت کردن و ادا کردن مردمان به مکارم اخلاق است و جهت دادنشان به اموری که برای زندگی و آخرتشان مفیدتر باشد.

دومین حق آنان انتظار تقسیم عادلانه بیت المال و رفاه بخشیدن به زندگی مردم است، به گونه‌ای که همراه با ستم نباشد و اموال عمومی مردم، در غیر موردی که به مصلحت آنان نباشد، صرف و خرج نشود، بدان سان که قبل از به حکومت ظاهری رسیدن امام (ع) عمل می‌شده است.

سومین حق تعلیم و آموختن به مردم بوده، تا نادان نمانید چرا که بیشتر مشکلات حکومتی در جهل افراد می‌باشد.

چهارمین حق مردم بر امام، تربیت کردن آنها در زمینه آگاهی نسبت به وظیفه و سپس عمل کردن به وظایفشان می‌باشد (Ibn Maitham Barhani, 1996).

### ب: به پاداشتن حق و دفع باطل

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دَخَلْتُ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِذِي قَارٍ وَ هُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ، فَقَالَ لِي مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ لَا قِيمَةَ لَهَا. فَقَالَ (عليه السلام) وَ اللَّهُ لَيْهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا؛

عبد الله پسر عباس گوید: در «ذوقار» نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رفتم و او نعلین خود را پینه می زد. پرسید «بهای این نعلین چند است؟» گفتم «بهایی ندارد». فرمود: «به خدا این را از حکومت شما دوست تر دارم مگر آنکه حقی را بر پا سازم یا باطلی را براندام».

براساس این خطبه امام اساسی‌ترین وظیفه خویش را اقامه حق و دفع باطل از حکومت می‌داند و حکومت را برای ایجاد دولت و جامعه‌ای اسلامی به دست گرفته و در پرتو شناخت و انجام این وظیفه است که مردم تربیت می‌شوند و خود را آماده ایجاد حکومت اسلامی می‌کنند.

### فقه حکومتی نگاهی کلان به مسائل فقهی و غیر فقهی

فقه حکومتی، به معنای فقه احکام حکومتی یا فقه سیاسی نیست، بلکه نگاهی حاکم و وصفی محیطی بر تمام مباحث فقه از طهارات تا دیات و مسائل مستحدثه دارد (Mardani Hamdani, 2021) با تمام این تفاسیر باید متوجه بود که نظام سازی تعلیم و تربیت در بستر فقه حکومتی به معنای قرار دادن حداکثری دانش فقه در لایه‌های مختلف تکون یک جامعه است.

و همچنین دستیابی به فقه حکومتی و توسعه آن در جهت تعالی و پیشرفت جامعه جز از طریق تعلیم و تربیت امکان پذیر نخواهد بود.

### انواع رویکرد در فقه حکومتی

در یک نگاه، دو نوع رویکرد به فقه وجود داشته است، فقیه با فرد نگری درصدد است تا با رجوع به منابع استنباط احکام دینی صرفا تکالیف افراد مسلمان را با در نظر گرفتن هویت فردی‌شان معین کند که از آن تعبیر به رویکرد فقه فردی می‌شود، درمقابل رویکرد دیگری وجود دارد مبتنی بر این اندیشه، که مکلفان بجز هویت فردی‌شان، که موضوع برخی از احکام است، تشکیل دهنده جمعی با عنوان جامعه نیز می‌باشند تحت حاکمیت حکومت فقهی قرار می‌گیرند. در این رویکرد، فقیه در تمام مراحل استنباط و در همه ابواب فقهی، ضمن شناخت موضوع فردی، نگاهی کل نگر و کلان و ناظر به حکومت به موضوعات خواهد داشت (Zulfaqari and Seydian, 2011).

بنابراین، فقه حکومتی به مثابه رویکرد و یک نظریه درباره روش استنباط احکام فقهاست که در مقابل روش و رویکرد فردی استنباط احکام قرار می‌گیرد فقه حکومتی نگرشی کل‌نگر و ناظر به تمام ابواب فقه است. از این رو، گستردگی که در فقه حکومتی بحث می‌شود، تمام ابواب و مسائل فقه خواهد بود (Meshkani Sabzevari and Meshkani Sabzevari, 2018).

هدف اصلی فقه حکومتی پیاده کردن ابواب مختلف فقه در عرصه فردی و اجتماعی است. و بتوانیم درباره مسائل مستحدثه حکومتی راهکار ارائه دهیم.

### تمایز فقه حکومتی و سنتی

فقه سنتی فردی مبتنی بر آن است تا تنها مسائلی را که فرد مکلف با آن روبه‌روست، با نگاهی کاملاً فردگرایانه استنباط کند در حالی که فقه حکومتی مسائل را با نگاهی کل‌نگر و اجتماعی بررسی می‌کند بی‌توجهی به تمدن سازی دینی و غفلت نسبت به مصالح اصلی و قرار گرفتن فقه در حاشیه، جدا از قدرت و حکومت سیاسی جزء عیوب فقه سنتی به حساب می‌آید. در حالی که فقه حکومتی یعنی در اجتماع بودن یعنی فقه و حکومت لازم ملزوم هم و جز لاینفک تمدن اسلامی هستند و فقهی ارزشمند است که بتوان با آن حکومت کرد.

### ضرورت فقه حکومتی

#### الف: رمز تکامل

مبارزه با انواع استعمار، همان کار بالینی است که انسان را برتر از ملائکه می‌داند انسان آمده تا با تمام مفاصد در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فردی بجنگد رساله عملیه این کار با فقه حکومتی نوشته می‌شود (Hairi Shirazi, 2010) همچنان که مولا علی (ع) در خطبه ۴۰ نهج البلاغه و مذمت کردن خوارج نسبت به عدم تشکیل حکومت فلسفه ضرورت ایجاد حکومت را تبیین می‌کند و می‌فرماید:

من کلام له (علیه السلام) فی الخوارج لما سمع قولهم «لا حکم الا لله»:

قَالَ (علیه السلام): كَلِمَةٌ حَقٌّ يَرَادُ بِهَا بَاطِلٌ، نَعَمْ إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَ لَكِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ، وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يَجْمَعُ بِهِ الْفِيءَ وَ يَقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السَّبِيلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يَسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ.

(آنگاه که شعار خوارج را شنید، لا گویند، لا حکم الا لله در سال ۳۸ هجری در مسجد کوفه فرمود).

#### ب: ضرورت حکومت

سخن حقی است، که از آن اراده باطل شد آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی اینها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهر مند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند.

خطای بزرگ خوارج در این بود که آنها شعار «إِن الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، را که برخاسته از قرآن بود چنین تفسیر می‌کردند که هرگونه «حکمت داور» و «حاکمیت»، یعنی حکمرانی در میان مردم مخصوص خداست، و به همین دلیل با مسئله حکمت مخالفت کردند و آن را نوعی شرک شمردند، چرا که برای غیر خدا حق حکومت و داورى قرار داده شده است! بدیهی است اگر حکمت و داورى مخصوص خدا باشد، باید حکمران میان مردم نیز خدا باشد، بنابراین اصل حکومت باید از بین برود و به تعبیر امروز «انارشیسیم» و بی حکومتی جای آن را بگیرد و محاکم و دادگاه‌ها نیز از میان برداشته شود، چرا که در همه آنها انسان‌ها به داورى می‌پردازند. آنها می‌خواستند به پندار خود «توحید حاکمیت الله» را زنده کنند و از شرک نجات یابند، ولی بر اثر نادانی و تعصب و جهل در پرتگاه هرج و مرج و نفی داورى و حکمرانی بر جوامع انسانی سقوط کردند و گرفتار توهمات کودکانه‌ای شدند که برای حفظ توحید باید هرگونه داورى و حکمرانی را نفی کنند، ولی هنگامی که دیدند برای گروه خودشان سرپرست و امیری لازم است، به باطل بودن این توهم پی بردند، هر چند لجاجت که از لوازم جهل و نادانی است به آنها اجازه بازگشت نداد. سپس به هفت فائده از فوائد و برکات و آثار حکومت اشاره می‌کند که بعضی جنبه معنوی دارد و بعضی جنبه مادی:

نخست این که «در سایه حکومت او مؤمن به کار خویش ادامه می‌دهد(و راه خود را به مقام قرب الی الله می‌پیماید)(يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ)

دوم این که: «کافر نیز در حکومت او(از مواهب مادی) بهره مند می‌شود. (وَ يَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ).

سوم این که: «خداوند به مردم فرصت می‌دهد که در دوران حکومت او زندگی طبیعی خود را تا پایان (در سلامت نسبی) طی کنند.» (وَيَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ).

چهارم این که: «به وسیله او اموال بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد» (و هزینة‌های دفاعی و عمرانی و انتظامی فراهم می‌شود) (وَيَجْمَعُ بِهِ الْفَيْءَ).

پنجم این که: «به کمک او با دشمنان مبارزه می‌شود» (وَيُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ).

ششم این که: «به وسیله او جاده‌ها امن و امان می‌گردد» (وَتَأْمَنُ بِهِ السَّبِيلُ).

و هفتم این که: «حق ضعیفان به کمک او از زورمندان گرفته می‌شود.» (وَيُؤَخِّدُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ).

و در سایه انجام یافتن این وظائف هفتگانه از سوی حکومت این نتیجه نهایی حاصل می‌گردد که «نیکوکاران در رفاه خواهند بود و از دست بدکاران در امان می‌باشند» (حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ) (Makaram Shirazi, 1996).

## ۱۲. راهکارهای تربیتی از منظر امام علی (ع) در جهت فقه حکومتی

**الف - روش محبت چنانکه امام در حکمت ۵۰ نهج البلاغه می‌فرماید و قَالَ (علیه السلام): قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحَشِيَّةٌ، فَمَنْ**

تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ. ترجمه: دل‌های مردان رمنده است، هر که آنها را به دست آورد، به او روی نهند.

و حکمت ۸ خَالَطُوا النَّاسَ مَخَالَطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ، وَ إِنْ عَشْتُمْ حَتَّى إِيَّاكُمْ بَا مَرْدَمَ بَه كُونَه اَي بِيَامِيْزِيْد، كَه اِكْر بَمِيْرِيْد، بَر شَمَا بَكْرِيْنَد و اِكْر بَمَانِيْد بَا شَمَا دُوسْتِي كُنُنْد.

و در عهدنامه مالک اشتر که شیوه حکومت اسلامی و حکمرانی را بیان می‌کند در نامه ۵۳ می‌فرماید: وَ أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُوْنَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَتَنَّبَهُمْ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ مَهْرَبَانِي بَا مَرْدَمَ رَا پُوشش دَل خُويش قَرَار دَه، وَ بَا هَمَه دُوسْت و مَهْرَبَانِ بَاش. مَبَادَا هَرْگَز، چُونان حَيوان شَكَارِي بَاشِي كَه خُورْدَن اَنان رَا غَنِيْمَت دَانِي، زِيْرَا مَرْدَم دُو دَسْتَه‌اند، دَسْتَه‌اي بَرادَر دِيْنِي تُو، وَ دَسْتَه دِيْگَر هَمَانْد تُو دَر اَفْرِيْنش مِي‌باشُنْد. بَه قُول مُولانا

«دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ

ای هیچ برای هیچ بر هیچ مپیچ

دانی که پس از عمر چه ماند باقی

مهر است و محبت است و باقی همه هیچ»

## ب - روش معرفی الگو جهت الگو پذیری

یکی از موثرترین راهکارهای تربیت روش الگوگیری از معصومین می‌باشد. همچنان که خداوند در سوره مبارکه احزاب آیه ۲۱ می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

ترجمه: مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

و در خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه اشاره به پیامبرانی (حضرت محمد، داوود، موسی، عیسی) می‌کند که شایسته الگو گیری هستند.

## ج - روش یادآوری و تذکر

یکی از راه‌های هوشیار کردن انسانی که آمیخته با نسیان است همین یادآوری به جا می‌باشد چنانکه خداوند متعال در سوره مبارکه ذاریات آیه ۵۵ می‌فرماید: (و ذکر فان الذکری تنفع المومنین) و یادآوری کن چرا که یادآوری برای مومنان نافع است.

و خداوند در سوره مبارکه غاشیه آیه ۲۱ پیامبر را مذكر (یادآوری کننده) معرفی کرده می‌فرماید: (فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ)

ترجمه: پس خلق را متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست.

و مولا علی نیز در سراسر نهج البلاغه اشاره به تذکر و یادآوری دارد و از یادآوری های می‌توان به یاد مرگ اشاره کرد حضرت می‌فرماید:

أَوْصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ إِقْلَالِ الْعَقْلِ عَنْهُ، وَ كَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ، وَ طَمَعَكُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يُمَهَّلُكُمْ؟! فَكَفَى وَاعِظًا بِمَوْتِي عَايِنْتُمُوهُمْ

ترجمه: امام علی علیه السلام شما را سفارش می‌کنم که به یاد مرگ باشید و از آن کمتر غفلت ورزید. چگونه از چیزی غافلید که او از

شما غافل نیست و چگونه به کسی چشم طمع دوخته‌اید که به شما مهلت نمی‌دهد! مردگانی که مشاهده کرده‌اید خود واعظانی هستند که

شما را از هر واعظی بی‌نیاز می‌کنند.

## د - روش اندرز و پند نیکو

خداوند در سوره نحل آیه ۱۲۵ به پیامبر دستور به موعظه احسن می‌کند و می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» ترجمه: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است. و در سوره مبارکه یونس آیه ۵۷ قرآن به عنوان موعظه‌ای ذکر شده که مایه شفای سینه‌هاست. و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهَدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ». ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ (درمانی برای دل‌های شما)؛ و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان

### خ- روش عبرت

خداوند در قرآن بعد از ذکر سرنوشت اقوام گذشته در پایان می‌فرماید فلسفه و هدف بیان داستان‌های پیشینیان همان عبرت گرفتن است و در سوره مبارکه حشر آیه ۲ می‌فرماید: (فاعتبروا یا اولو الابصار) پس ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید. مولا علی نیز در بخشی از حکمت ۲۰۸ راه بینا شدن را عبرت گرفتن معرفی کرده و می‌فرماید: (ومن اعتبر ابصر) ترجمه: کسی که عبرت پذیرفت بینا گردید، در واقع امام مقدمه بینا شدن را عبرت پذیرفتن می‌داند.

## اهداف تربیت با رویکرد فقه حکومتی

### الف- عبادت خداوند

اولین هدف تربیت عبودیت خداوند است چنانکه در سوره مبارکه ذاریات آیه ۴۶ می‌فرماید: «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون». ترجمه: ما جن وانسان را نیافریدیم مگر برای عبودیت و بندگی.

### ب- ایمان و عمل صالح

انسان تربیت شده به سمت کارهای شایسته و خوب حرکت می‌کند و از کارهای بد بیزاری می‌جوید. چنانکه خداوند در سوره مبارکه عصر می‌فرماید: «وَالْعَصْرُ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۳» سوگند به عصر واقعا انسان دستخوش زیان است مگر کسانی که گرویده و کارهای زشایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند. ان الانسان لفي خسر ... در واقع انسان‌های که تربیت نشده دام در خسارت قرار دارند چرا که از اعمال صالح که موافق با ذات انسانی هست بدورند.

### ج- مخالفت با دشمن درون و بیرون

منظور از دشمن درون همان نفس اماره است که انسان را امر به بدی می‌کند چنانکه خداوند در سوره یوسف آیه ۵۳ می‌فرماید: «وَمَا أْبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ». ترجمه: و من نفس خود را تبریته نمی‌کنم، چرا که نفس آدمی بدون شک همواره به بدی امر می‌کند، مگر آن که پروردگارم رحم کند که همانا پروردگار من آمرزنده‌ی مهربان است.

و در کلام مولا علی علیه السلام درباره نفس اماره می‌فرماید: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنیبک» یعنی بالاترین دشمنان تو همان نفس اماره و احساسات سرکش تو است که از همه به تو نزدیکتر است و در میان دو پهلویت قرار گرفته است (Motahari, 2003) و منظور از دشمن برون همان شیطان است که برای گمراهی انسان دامن همت به کمر بسته.

### د- دوری از دنیا محوری و دنیا پرستی

خداوند در آیات مختلفی به هدف نبودن دنیا اشاره می‌کند از جمله در سوره غافر آیه ۳۹ می‌فرماید: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ترجمه: ای قوم من این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و در حقیقت آن آخرت است که سرای پایدار است. و مولا علی نیز در نهج‌البلاغه تاکید بسیاری بر مقدمه بودن دنیا دارد و از جمله در حکمت می‌فرماید: الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِعِبْرَتِهَا، وَ لَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا». ترجمه: و فرمود(ع): دنیا برای دیگری آفریده شده، برای خود آفریده نشده.

## اهداف حاکمیتی تربیت

- ۱- اهداف اجتماعی که شامل؛ الف- استواری و قداست روابط خانوادگی بر پایه ی حقوق و اخلاق اسلامی. ب- تامین قسط و عدل
  - ۲- اهداف سیاسی: الف- پذیرش مطلق حاکمیت خداوند و آشنایی با طرق و شیوه های اعمال این حاکمیت در جامعه بر اساس فقه حکومتی. ب- نفی هر گونه ستمگری ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری و تامین استقلال سیاسی.
  - ۳- اهداف اقتصادی: الف- ایجاد روحیهی احترام نسبت به مالکیت مشروع دیگران. ب- ایجاد روحیهی صرفه جویی و قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در همه ی شئون اقتصادی (Motahari, 2003).
- تعلیم و تربیت به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی بشر اندیشمندان این حوزه را به تعیین خطمش تربیتی برای جوامع بشری وا داشته است: چرا که انسان به شرایط و موقعیت مناسبی نیاز دارد تا توانایی‌ها و استعدادای خود را شکوفا کرده و با کسب صلاحیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز به عضو مفید و کار آمدی برای جامعه بدل گشته و خود نیز به رضایت‌مندی از زندگی دست یابد.

## بازتاب‌های مهم نگرش فقه حکومتی در فقه

برگزیدن فقه حکومتی به عنوان نگرش اصلی به فقه رها کردن نگرش فقه فردی مضاف بر اینکه یک تحول اساسی در شیوه استنباط احکام و مسیر اجتهاد، تغییر حدود و ثغور مباحث اجتماعی در فقه و ایجاد یک دگرگونی در دسته‌بندی ابواب فقه به وجود خواهد آورد، دو پیامد مهم نیز دارد که عبارتند از؛

### الف- مدار اجتماعی و حکومتی فقه در تمام ابواب فقه

در فقه حکومتی همه ی ابواب فقه از منظر حکومت و اجتماع بررسی می‌شود بنابراین در گزاره‌های فقهی حتی در آن بخش از عبادات که شکل فردی دارند مانند نماز، روزه و... زوایای فقهی آن کاویده می‌شود، در حالی که در فقه فردی چنین اجتهاد و کاوش فقهی صورت نمی‌پذیرد. حضرت امام خمینی درباره نماز و حج می‌فرمایند:

در این دو یعنی نماز و حج همچنین جهات اجتماعی و سیاسی و حکومتی وجود دارد که مربوط به زندگی دنیوی مردم می‌باشد.

### ب- گسترش قلمرو فقه

آشکارترین بازتاب نگرش اجتماعی در فقه، گسترش یافتن قلمرو و ساحت فقه است؛ زیرا در کاوش‌های فقهی، وقتی جامعه به مانند یک پدیده موجود در خارج مورد نظر دین فرض شود، در این صورت رفتارهای جمعی و نهادهای اجتماعی ناظر به آنها در فقه جایگاه ویژه می‌یابند و فقیه عهده‌دار شناخت این‌گونه موضعات خواهد شد و موظف به بازشناسی حکم فقهی آن از منابع دینی می‌گردد. بدین روی فقه حکومتی از جهت قلمرو بسی گسترده‌تر از فقه فردی است، چرا که این گونه نگاه، موضوع فقه و احکام فقهی را می‌گستراند، چه اینکه در فقه فردی رفتار فرد مکلف با هویت فردی و شخصی او موضوع حکم است؛ ولی در فقه حکومتی رفتارها و کنش‌های اجتماعی، سیاسی و حکومتی نیز موضوع حکم دانسته می‌شود (Gholami and Mira Ahmadi, 2013).

## وظیفه حاکم در فقه حکومتی

ولی فقیه به منزله فقیه حاکم، می‌بایست علاوه بر استنباط احکام فقهی برای اداره جامعه، جهت حل تزاخمت در مسیر تحقق غایات فقه نیز ورود کرده و راهکار مناسب از معضلات ارائه نماید (Imam Khomeini, 1999).

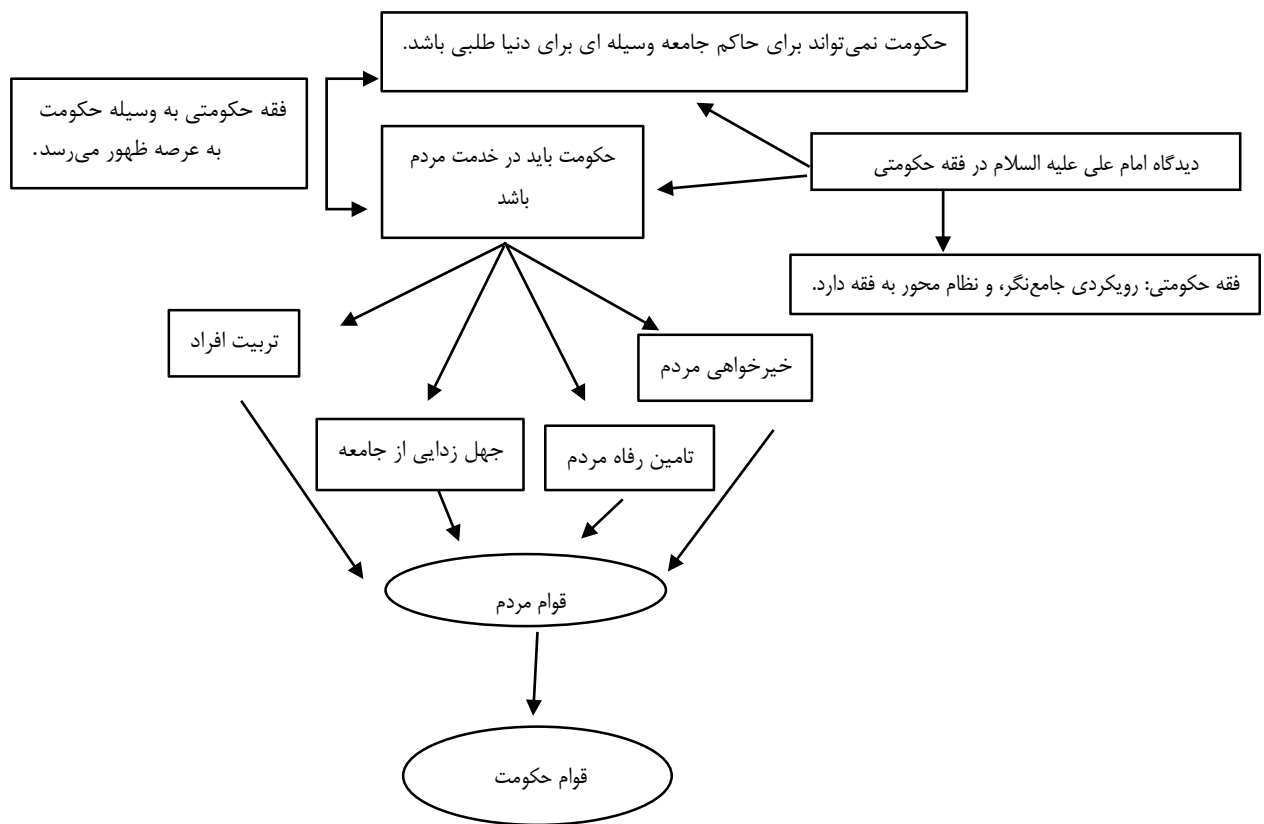
مثال‌هایی فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. شما حتی در باب طهارت نیز فقه حکومتی دخیل است چه برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصی و بقیه ابوابی که وجود دارد. بایستی همه این‌ها را به عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط بکنیم. این در استنباط اثر خواهد داشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد (Khamenei 31/6/1991).

## بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر در خصوص کلام امیر المومنین (ع) در تعلیم و تربیت با رویکرد فقه در موارد زیر مشهود است:

با توجه به کاوش‌های صورت گرفته و تعاریف و تشریحاتی که در خصوص تعلیم و تربیت و فقه و بخصوص فقه حکومتی صورت گرفت می‌توان گفت:

نگاه امیرالمومنین به حکومت و دولت اسلامی، نگاهی ابزارآفرینی است، به شیوه‌ای که آن را وسیله‌ای برای نیل به هدف و آرمان اصلی، یعنی عبودیت و بندگی خدا معرفی می‌کند. براساس این دیدگاه، حکومت نمی‌تواند برای حاکم جامعه، وسیله‌ای برای دنیا طلبی و ریاست طلبی باشد بلکه حاکم جامعه اسلامی خدمتگذار مردم، و حکومت برای او به منزله امانتی در گردن اوست تا مسوولیت آن امانت که عبارت است از: ۱- خیرخواهی مردم ۲- تامین رفاه مردم ۳- چهل زدایی از جامعه ۴- تربیت افراد را بپردازد. چرا که حکومت به وسیله مردم به قوام می‌رسد و حاکمی که درصدد چهل زدایی و تربیت باشد به وسیله این دو مهم راه حکومت را برای خویش هموارتر و بادوام‌تر می‌سازد. از سوی دیگر نشان می‌دهد، که مهمترین هدف امام در راستای فقه حکومتی، گسترش عدالت و گرفتن حق ستم‌دیدگان است. بطور خلاصه فقه حکومتی از منظر امام علی یعنی فقهی که متولی اداره جامعه و تدبیر حکومت و نگرش کل نگر و مبتنی بر دیدگاه حداکثری از دین، و ناظر بر تمام ابواب فقه و همه‌ی شوون اجتماع می‌شود. که به اختصار در نمودار ذیل آورده شده است.



## References

- Holy Quran  
Nahj al-Balagha  
Akhwan Nouri, Shaqaig al-Sadat. (۲۰۲۲). The components of professional ethics in education and its functions from the perspective of the Qur'an and hadiths. Master's thesis. University of Quran Sciences and Education(In Persian).
- Abdullah zadeh, A. (۲۰۲۳). The importance of Islamic education and the role of the teacher in it. The 7th National Conference on New Researches in Counseling, Educational Sciences and Psychology of Iran, Tehran. (In Persian).
- Alam Al-Hoda, Jamila. (۲۰۰۲). The necessity of explaining Islamic education. Methodology of humanities. number 32, ۴۹-۳۳
- Arafi, A. (2015). The effects of jurisprudence on the educational system. Culture Strategy, No. 36, 131-113(In Persian).
- Baghlani, Farida. (2019). Explanation and analysis of critical thinking in the field of education and criticism of its implications in education based on the teachings of Islamic education. Master's thesis, Payam Noor University, Fars Province, Fasa branch
- Bahrani, Ibn Maytham. (۱۹۹۶). Description and translation of Nahj al-Balagha. Tehran: Islamic Research Foundation
- Faizul Islam, Ali Naghi. (۱۹۸۹). Translation and explanation of Nahj al-Balagha. Tehran: Faqih Printing and Publications
- Jafari, Mohammad Taghi. (2018). Description and translation of Nahj al-Balaghah. Tehran: Islamic Culture Publishing House
- Fawzi, Yahya, Karimi Biranvand, Massoud. (۲۰۱۱). the role of government in education; A comparative study of the views of Plato and Imam Khomeini (RA). Islam and educational research. number 1,
- Gholami, N,. Mira Ahmadi, M. (2013). Individual jurisprudence and governmental jurisprudence, advantages and disadvantages. Sublime politics. number ۴, (In Persian).
- Hairi Shirazi, M. (2010), The mission of the clergy in family education. Qurani Kausar. number 40, 110-98(In Persian).
- Khomeini, R. (۱۹۹۹). Imam's book Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute(In Persian).
- Majlisi, M,T. (۱۹۹۲). Bihar Al-Anwar Beirut: Dar al-Azwa(In Persian).
- Makarem Shirazi, Nasser. (2019). The message of Imam Amirul Momineen (peace be upon him). Qom: Islamic Library
- Mashkati, Hassan. (2018). What is Islamic education and training? How?. Isfahan: Hello Sepahan
- Motahari, M. (۱۹۹۸). Familiarity with Islamic sciences. Tehran: Sadra. (In Persian).
- Motahari, M. (۲۰۰۳). Education in Islam. Tehran: Sadra(In Persian).
- Mardani Hamdani, F. (۲۰۲۱). Capacities of governmental jurisprudence in forming the development of civilization system. National Conference of Islamic Revolution and Horizon of Future Civilization, Tehran. (In Persian).
- Meshkani Sabzevari, Abbas Ali, Meshkani, Abdul Hossein. (۲۰۱۱). An introduction to government jurisprudence from the Supreme Leader's point of view. Islamic government number 60, 184-155

Meshkani Sabzevari, Abbas Ali, Meshkani Sabzevari, Abdul Hossein. (۲۰۱۱). Relations between jurisprudence and government. Islamic government Number 3, 194-۱۷۳. (In Persian).

Mikailo, Gholamhossein, Sultan al-Qarai, Khalil. (2014). Goals and methods of education from the perspective of Islam. Islamic insight and education. No. 35, 121-97

Mohammadi Poya, F. (۲۰۲۲). Presenting an educational model with the Jihad approach of explanation from the point of view of Nahj al-Balagha. Nahj al-Balagheh research paper. number 40, 24-1(In Persian).

Qadri, Mohammad. (2018). Concept and example of education in Ibn Sina's thought. The 3rd National Conference on Education and Lifestyle Psychology, Qazvin, Payamnoor University, Qazvin branch. (In Persian).

Soleimani Kia, A.(2017). Islamic education and non-Islamic education with a comparative view. The third international conference of psychology, educational and behavioral sciences, Tehran. (In Persian).

Soroush Mahalati, M.(۲۰۰۷). The responsibility of the Islamic government in formal education. Islamic education. number 5, 80-55(In Persian).

Shahab, M. (۲۰۲۱). Criticism of the fundamentals of education and training of the liberalism school with emphasis on the verses and narrations of Fariqin. Master's thesis, Jamia Al-Mustafa Gorgan University. (In Persian).

Site of leadership speeches. <https://farsi.khamenei.ir> Khamenei 31/6/1991

Zulfaqari, Mohammad, Seydian, Seyyed Mahdi. (2011). government jurisprudence; What, why, how. Political knowledge. number 1, 67-49